

The legal status of energy subscriptions from a comparative perspective

نویسنده مسئول دکتر علیرضا باریکلو

bariklou@ut.ac.ir

امیر محمود امینی

amirmahmood.amini@ut.ac.ir

Abstract

Energy subscription originated from French law, which entered Iranian law and has also become common in English law under the name of "subscription". However, in the field of energy, in France, the initial subscription is often supported, and in England, the continuous or monthly subscription is supported, and the approach of the contract law system of the two countries is different. The legal validity of this contract was questioned in French doctrine and English case law, which was supported in the ۲۰۱۶ reforms of French law of obligations in the form of a framework contract, and in English law, its validity is subject to compliance with the conditions of validity of the contract.

In this article, the legal status of subscriptions was examined using a descriptive-analytical method and it was proven that the two types of subscriptions that are taken from consumers in the field of energy are incompatible with the standards of contract law because the initial subscription is a type of invalid acquisition of property and the continuous and monthly subscription is also contrary to consumer rights.

Keywords: Subscription, Contract Law, Consumer, Invalid Acquisition of Property

وضعیت حقوقی آبونمان انرژی از منظر تطبیقی

چکیده

آبونمان انرژی برخاسته از حقوق فرانسه است که وارد حقوق ایران شده و در حقوق انگلستان نیز تحت عنوان «اشتراک» رایج شده است. با این حال در حوزه انرژی، غالباً در فرانسه آبونمان ابتدایی و در انگلستان آبونمان مستمر یا ماهانه مورد حمایت قرار گرفته است و رویکرد حقوق قراردادهای این دو کشور متفاوت است. وضعیت حقوقی این قرارداد در دکتترین فرانسوی و رویه قضایی انگلستان مورد تردید بود که قانون‌گذار فرانسوی در اصلاحات سال ۲۰۱۶ آن را در قالب قرارداد کادر مورد حمایت قرار داد و در حقوق انگلستان نیز اعتبار آن منوط به رعایت شروط اعتبار قرارداد شده است. در این مقاله وضعیت حقوقی آبونمان به روش توصیفی-تحلیلی بررسی شد و ثابت گردید که دو نوع آبونمان که در حوزه انرژی از مصرف‌کننده گرفته می‌شود، با موازین حقوق قراردادهای ناسازگار است. زیرا آبونمان ابتدایی نوعی اکل مال به باطل است و آبونمان مستمر نیز برخلاف حقوق مصرف‌کننده است.

کلیدواژه‌ها: آبونمان، حقوق قراردادهای مصرف‌کننده، اکل مال به باطل.

مقدمه

اخذ آبونمان در قراردادهای تأمین هزینه‌های خدمات عمومی و خصوصاً انرژی رایج شده است. این عنوان به تعهدات مالی قابل اطلاق است که مصرف‌کننده در قبال صرف خرید یا دسترسی به خدمات منظم و مستمر انرژی، موظف به پرداخت آن است. این نوع قراردادهای تنظیم می‌شوند که حقوق و تعهدات طرفین تعریف شده و مشترکین موظف به پرداخت هزینه‌های ثابت یا دوره‌ای هستند. در حقوق فرانسه به استناد قاعده «انصاف» در قراردادهای سعی شده تا منافع مشترکین را در برابر تغییرات ناگهانی قیمت‌ها تضمین کند. از طرف دیگر، ارائه‌دهندگان خدمات عمومی نیز بر اساس این قراردادهای تعهد دارند که خدمات را به صورت پایدار و با کیفیت مناسب ارائه نمایند. البته تفاوت‌های اصلی بین این دو نظام حقوقی را می‌توان در نحوه تنظیم قراردادهای میزان انعطاف‌پذیری در شرایط و قیمت‌ها و نیز تأثیرگذاری مقررات دولتی مشاهده کرد. در فرانسه، تأکید بر حمایت از مصرف‌کننده و تنظیم قراردادهای بر اساس قوانین تعیین‌شده و نظارت دولت بر عملکرد ارائه‌دهندگان خدمات است. در حالی که در انگلیس، بازار نسبت به دخالت‌های دولت آزادتر بوده و شرکت‌ها به ابتکارات بیشتری برای جذب و حفظ مشتریان اقدام می‌کنند. لذا در این دو نظام حقوقی، از نظر کارکرد و آثار قراردادهای آبونمان، رویکردهای متفاوتی اتخاذ

شده و در حقوق فرانسه، آبونمان غالباً به عنوان نوعی قرارداد معین^۱ شناسایی شده و با توجه به ویژگی تعهدات متقابل و مستمر، به طور مستقیم تابع قواعد عمومی قراردادها است. اما، در حقوق انگلیس با تمرکز به رویکرد عمل‌گرا، قراردادهای آبونمان به عنوان نوعی تنظیم رابطه قراردادی^۲ تلقی شده و نقش کارکرد آن با توجه به مفاد و شرایط خاص هر قرارداد **موردی** بررسی می‌گردد. اما در حقوق ایران در قراردادهای تأمین انرژی مانند قرارداد واگذاری انشعاب برق دو نوع آبونمان ثابت یا اولیه و مستمر را مصرف‌کننده باید پرداخت کند.

لذا با توجه به خاستگاه آبونمان که حقوق خارجی است، ساختار مقاله از عناوین، توصیف آبونمان با هدف تعیین موضوع، آبونمان و شرط تحویل یا پرداخت با هدف تفکیک موضوع، مزایای آبونمان و اهداف اقتصادی اخذ آبونمان انرژی از حیث داشتن منافع و وضعیت حقوقی آبونمان با هدف تطبیق آن با قواعد حقوقی تشکیل شده که مهمترین چالش، تطبیق رویکرد ایران به آبونمان با موازین حقوق اسلامی است.

۱. توصیف آبونمان

با توجه به روند رو به رشد فناوری و افزایش فرایندهای خدمات، احتمال دارد که آبونمان‌ها در صنایع جدیدتر و حوزه‌های متنوع‌تری گسترش یابند، از جمله اینترنت اشیا^۳ و خدمات مبتنی بر هوش مصنوعی (هادویی، ۲۰۱۴). لذا آبونمان به طور مطلق و اعم از قرارداد انرژی بررسی می‌شود. برخی آبونمان را قراردادی شمرده که «به موجب آن خدمات یا محصولی به طور مستمر و یا به صورت متناوب، در مدتی معلوم و یا نامعلوم، در برابر قیمتی که معلوم است، مبادله می‌شود. مانند

^۱Contrats Spéciaux

^۲Pragmatic

^۳Contractual Arrangements

IoT .

Hadopi

اشتراک روزنامه، برق، گاز، آب و تلفن. به مالی که پرداخت می‌شود، وجه اشتراک می‌گویند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵، ۴). این معنای ابتدایی آبونمان است که خدمات مستمر مثلاً یک‌ساله ولی بهای آن یکجا پرداخت می‌شود. نمونه بارز آن اشتراک جراید است که شخص با بهای پرداخت یکجا، جریده را روزانه یا ماهانه دریافت می‌نماید. ولی در این مقاله این معنا مراد نیست. بلکه آبونمانی موضوع بررسی است که علاوه بر بهای خدمات، مبلغی اضافه بر آن از مصرف‌کننده دریافت می‌شود. بعضی، آن را از عناوین مستحدثه دانسته که می‌توان برخی از مصادیق اشتراک روزنامه‌ها و مجلات را به بیع سلف نسبت داد و نوعی دیگر مانند اشتراک آب، برق، تلفن و گاز را با اباحه معوضه دانست (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶، ۱۰۰). این دیدگاه نیز با واقع منطبق نیست، چون آبونمان برق و گاز اباحه تصرف نیست. بلکه مصرف‌کننده باید در قبال هر واحدی از انرژی مصرفی، علاوه بر آبونمان، قیمت را نیز پرداخت نماید. لذا عده‌ای حق اشتراک تلفن با حق اشتراک گاز، برق و آب را متفاوت دانسته و آن دو را قیاس مع الفارق شمرده‌اند. چون در قبوض تلفن ثابت، حتی برای مشتریان فاقد کارکرد، مبلغی را به عنوان حداقل کارکرد درج می‌شود تا بخشی از هزینه ناشی از اختصاص امکانات به مشترک را تأمین کند (قنبرزاده، ایزدی فرد و ابراهیمی، ۱۴۰۰، ۲۷۰ و ۲۷۱).

در ادبیات بازار کسب‌وکار، آبونمان، مبلغی است که خدمات‌گیرنده برای دریافت خدمات یا محصول در بازه‌های زمانی منظم، به‌طور مستمر و یا در ابتدای قرارداد فروش، به فروشنده خدمات می‌پردازد و پرداخت آن شرط دسترسی به خدمت است (خورسندیان و شنیور، ۱۳۹۰: ۱۴۴). طبق این تعریف، آبونمان عوض دسترسی به سرویس مدت‌دار برای ارائه خدمات مختلف است (جونگ و همکاران، ۲۰۲۴: ۲). افراد عموماً از طریق پرداخت یک مبلغ ثابت به‌صورت ماهیانه به این سرویس دسترسی پیدا می‌کنند (لی و یوشیزاوا، ۲۰۲۱: ۵۴). در نتیجه، آبونمان یک عامل اقتصادی است و به معنای پرداخت دوره‌ای یک هزینه به‌منظور استفاده از یک سرویس یا دسترسی به یک محصول می‌باشد. این نظام پرداختی از زمان‌های قدیم تا به امروز تغییرات زیادی کرده و در صنایع مختلفی مورد استفاده قرار گرفته‌است (جیتسون تورنچایکول، ۲۰۲۲: ۲۰۲۲).

^۱ Jeong et al

^۲ Lee and Yoshizawa

^۳ Jitsoon thornchaikul

۱۸). برخی معتقدند آبونمان عبارت است از دریافت هزینه ثابت یا دوره‌ای برای استفاده از خدمات یا محصولاتی خاص. این عنوان در بسیاری از صنایع، از جمله مخابرات، رسانه‌ها و خدمات اینترنتی، کاربرد گسترده‌ای دارد (پرونا، ۲۰۱۰، ۲۲). به‌طور کلی، واژه آبونمان به عوض دسترسی به خدمات یا محصولات براساس پرداخت مداوم و متناسب با یک دوره زمانی خاص اشاره دارد (جیسوال و سینگ، ۲۰۲۲: ۱۰۶).

بنابراین، دو نوع آبونمان رایج است یکی در قبال خدمات و عوض است. مانند آبونمان جراید و دسترسی به سایت اینترنتی که از موضوع بحث خارج است. دوم آبونمانی است که همراه با قیمت خدمات دریافتی از مصرف‌کننده دریافت می‌شود که این موضوع مقاله است. از مجموع این تعبیر اقتصادی استفاده می‌شود که آبونمان انرژی عبارت از مبلغی است که علاوه بر قیمت انرژی، مصرف‌کننده برای دسترسی مستمر به انرژی باید پرداخت کند. این تکلیف هر چند از منظر اقتصادی دارای توجیهاتی است، ولی از منظر حقوقی با چالش‌هایی مواجه است که در این مقاله تفاوت آبونمان با شرط تحویل یا پرداخت و ابعاد اقتصادی و حقوقی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- آبونمان و شرط تحویل یا پرداخت

شرط تحویل یا پرداخت از جمله شروط مشابه با آبونمان است که مقایسه این دو شرط با هم برای شناخت بیشتر موضوع مفید می‌باشد. در قراردادهای تأمین کالاها و خدمات، به‌ویژه در حوزه انرژی، یک شرط اساسی است که با هدف حمایت از منافع یا هزینه‌های تأمین‌کننده از بازخورد مالی حداقلی دریافتی و فروش محصولات و همچنین حفظ تولید پایدار، در قرارداد درج می‌شود. مثلاً در قراردادی که ملاک مقدار انرژی موضوع قرارداد، نیاز دریافت‌کننده یا خریدار شرط شده‌است، این ملاک متغیر است و ممکن است روزی به انرژی نیاز نداشته‌باشد و به استناد عدم نیاز، از تحویل انرژی خوداری کند. هر چند عدم تحویل انرژی از اختیارات خریدار است، اما هزینه‌ای را که تأمین‌کننده برای ارسال انرژی و برگرداندن آن متحمل شده‌است، باید پرداخت شود. بنابراین، این شرط متضمن تأمین هزینه‌هایی است که برای تحویل انرژی انجام شده ولی مصرف‌کننده از تحویل آن به خاطر عدم نیاز خودداری کرده‌است. پس این شرط معمولاً به این

^۱Perona

^۲Jaiswal & Singh

^۳Take or Pay Clause

صورت اجرایی می‌شود که اگر خریدار از تحویل گرفتن حداقل مقدار معینی از محصولات یا خدمات از فروشنده امتناع کند، موظف است مبلغی را به فروشنده به دلیل تحمل هزینه حمل و نقل یا هزینه عرضه از قبیل نگهداری شبکه لوله های انتقال انرژی، پرداخت کند. از دیدگاه فروشندگان، این شرط مفید است. زیرا به آن‌ها یک تضمین مالی برای هزینه‌های اضافی را می‌دهد. بدین ترتیب، فروشندگان می‌توانند به شکل مطمئن‌تری بر روی تأمین مالی و تولید محصولات خود حساب کنند. این شرط ممکن است برای خریداران مطلوب نباشد. چون، ملزم به پرداخت هزینه از پیش تعیین شده می‌شوند که در قبال آن منفعتی را دریافت نکرده‌اند. شرط تحویل یا پرداخت در قراردادهای تأمین انرژی، نقش مهمی در تعادل مالی و عقلانی بین خریدار و فروشنده بازی می‌کند. چون پرداخت هزینه حمل و نقل توسط خریدار ناشی از عدم تحویل محصول است و اگر او محصول را دریافت نماید، فقط ملزم به پرداخت قیمت محصول تحویل گرفته شده، می‌باشد. پس این شرط با توجه به شرایط خاص هر قرارداد تأمین انرژی ممکن است اهمیت خاصی داشته باشد (فرچی، ۲۰۱۵، ۸۴). نهایتاً تفاوت‌های اصلی این شرط و آبونمان در این است که اولاً هدف این شرط تأمین هزینه‌های اضافی است که از ناحیه دریافت کننده بر تأمین کننده وارد می‌شود، اما آبونمان بیشتر در خدمات مشترکین و مصرف کننده‌ها استفاده می‌شود، در حالی که آنان می‌خواهند به خدمات دسترسی پیدا کنند یا از آن استفاده کرده‌اند. ثانیاً هر چند بعضی معتقدند ریسک و منفعت آبونمان عدم قطعیت کمتری به همراه دارند و برای هر دو طرف مذاکره معمولاً سودمند است ولی شرط تحویل یا پرداخت درآمد فروشنده را تضمین می‌کند، اما ممکن است خریدار را تحت فشار مالی قرار دهد و ممکن است نفعی برای وی نداشته باشد. ثالثاً، قرارداد آبونمان به طور معمول ساده تر و قابل درک تر از قراردادهای حاوی شرط تحویل یا پرداخت است که معمولاً پیچیدگی‌های بیشتری دارند (زالی، ۱۳۹۸، ۵۴). اما این دیدگاه بیشتر نسبت به آبونمان روزنامه صادق است که مصرف کننده با پرداخت، خدمتی را دریافت می‌کند ولی نسبت به آبونمان انرژی صادق نیست، چون مصرف کننده باید علاوه بر پرداخت آبونمان، قیمت انرژی تحویل گرفته را نیز پرداخت کند. بنابراین در شرط تحویل یا پرداخت، مصرف کننده با تحویل نگرفتن محصول، هزینه‌ای اضافی برای تأمین کننده ایجاد کرده است که با این شرط، هزینه بر او تحمیل می‌شود، ولی در آبونمان مصرف کننده هزینه

^۱ Farchy

اضافه‌ای را برای تأمین‌کننده ایجاد نکرده‌است. لذا قیاس شرط تحویل یا پرداخت با آبونمان از منظر عدالت قراردادی قیاس مع‌الفارق است.

۳. مزایای آبونمان

از جمله مزایای آبونمان می‌توان به اشتراک‌گذاری محتوا، فراهم کردن فضایی برای افراد جهت به اشتراک‌گذاری عکس، ویدئو، نوشته‌های شخصی یا حرفه‌ای خود و افزایش آگاهی، ارائه محتوای آموزشی، اخباری و فرهنگی به کاربران جهت افزایش دانش و آگاهی آن‌ها و ارتقاء تجربه کاربری، بهبود پلتفرم و افزایش رضایت کاربری افراد از استفاده خود از آبونمان اشاره کرد (شافعی، ۱۳۹۸، ۳۳). در واقع، آبونمان به‌عنوان یکی از ابزارهای پیشنهادی برای مدیریت و استفاده اثربخش از منابع مختلف در زمینه‌های گوناگون زندگی بشری، اهمیت بسیاری یافته‌است. از دسترسی به منابع علمی و آموزشی گرفته تا محتوای دیجیتال مانند موسیقی و فیلم، از خدمات ورزشی و بهداشتی تا نرم‌افزارها و ابزارهای تجاری (اسمیت^۱، ۲۰۲۰، ۲۴).

از منظر اقتصادی آبونمان به افراد و شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات کمک می‌کند تا درآمد ثابت و پیش‌بینی‌شده‌ای داشته‌باشند، که این امر به آن‌ها امکان می‌دهد تا برنامه‌ریزی بهتری برای توسعه خدمات خود داشته‌باشند. از دیدگاه مصرف‌کنندگان، این نهادها این امکان را به آن‌ها می‌دهند که به‌طور مداوم از خدمات مورد نیاز و محصولات مورد علاقه خود بهره‌مند شوند. با پرداخت یک مبلغ ثابت یا متغیر در هر دوره، مشترکین احساس آرامش و اطمینان خاطر می‌کنند. زیرا نگرانی از وقفه در استفاده از خدمات ارائه شده کمتر می‌شود. نهادهای آبونمان ارتباط مستقیم بین مصرف‌کننده و ارائه‌دهنده خدمات را تقویت کرده و بازار را به سوی پایداری سوق می‌دهند که این امر برای هر دو طرف از مزایای مهمی برخوردار است (گامر^۲، ۲۰۱۸، ۱۲). یکی دیگر از مهم‌ترین مزایای آبونمان، امکان دسترسی نامحدود و مداوم به خدمات مختلف است. برخلاف روش‌های سنتی که در آن‌ها برای هر بار استفاده باید هزینه‌ای معین پرداخت شود، در سیستم آبونمان کاربران می‌توانند با پرداخت هزینه‌ای منظم و معمولاً پایین‌تر، به‌صورت مداوم از خدمات بهره‌مند شوند. این رویه نه تنها موجب صرفه‌جویی در هزینه‌ها می‌شود، بلکه کاربران را از پیچیدگی‌های پرداخت‌های مجزا رها می‌سازد. برای ارائه‌دهنده خدمات نیز مشتری ثابت پیدا

^۱ Smith

^۲ Gemar

می‌شود. استفاده از خدمات اشتراکی به کاربران این امکان را می‌دهد که بدون نیاز به صرف وقت برای جستجو و خریدهای متعدد، به راحتی به منابع مورد نظر خود دسترسی پیدا کنند. این مسئله می‌تواند به طور ملموسی بر افزایش بهره‌وری حرفه‌ای افراد تأثیر مثبت داشته باشد (جانسون^۱، ۲۰۱۹، ۱۲). در زمینه‌های علمی و آموزشی، آبونمان به افراد و سازمان‌ها امکان دسترسی به دانش و منابع معتبر را می‌دهد. مجلات علمی، کتابخانه‌های دیجیتال و نرم‌افزارهای تحقیقاتی فقط نمونه‌هایی از کاربردهای گسترده آبونمان در این حوزه‌ها است (اندروز نیل^۲، ۲۰۱۷، ۱۳۲). هم‌چنین، زمانی که یک شرکت از مدل کسب‌وکار مبتنی بر آبونمان استفاده می‌کند، می‌تواند با اطمینان بیشتری برنامه‌ریزی مالی خود را تنظیم کند و روی بهبود و گسترش خدمات خود سرمایه‌گذاری نماید. این توزیع منظم درآمد، به کسب‌وکارها اجازه می‌دهد تا به جای تمرکز بر فروش لحظه‌ای، بر بهبود کیفیت خدمات و رضایت مشتریان متمرکز شوند. در مجموع، آبونمان به عنوان یک راهکار کارآمد در مدیریت منابع و استفاده از خدمات، مجموعه‌ای فراگیر از مزایا را به همراه دارد که می‌تواند بهبود کیفیت زندگی افراد و پیشرفت جامعه در زمینه‌های مختلف کمک کند (لسلر^۳، ۲۰۱۹، ۳۱۲).

این توجیهات صرفاً اقتصادی است که نسبت به بعضی از روابط صادق است. مثلاً نسبت به دسترسی به منابع علمی و اینترنتی، که مشتری یا مصرف‌کننده بهای دیگری را پرداخت نمی‌کند، ولی نسبت به عرضه انرژی که عرضه‌کننده بهای انرژی را دریافت می‌کند موجه نیست زیرا عرضه‌کننده به عنوان فروشنده انرژی باید تمام هزینه‌های عرضه را تا نقطه تحویل متحمل شود و هزینه نگهداری شبکه یا حمل و نقل تا نقطه تحویل، عمل مستقلاً نیست که مستحق عوض جداگانه باشد بلکه از مقدمات عرفی عرضه و فروش انرژی است. با این حال اهداف اقتصادی آبونمان انرژی موضوع دیگری است که بررسی می‌شود.

۴- اهداف اقتصادی آبونمان انرژی

در حقوق انگلیس، اهداف اصلی آبونمان انرژی شامل چندین بخش مجزا و مرتبط به هم است که هر یک به نحوی در تعیین میزان آبونمان نقش دارد. اولین جزء آن، تأمین «هزینه ارائه و

^۱ Johnson

^۲ Andrews Neil

^۳ Leclerc

انتقال خدمات» است. این بخش شامل هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیمی است که برای رساندن انرژی و فراهم کردن سرویس به مشترکین انجام می‌شود. هزینه‌های مستقیم شامل هزینه‌های تولید و انتقال انرژی است. مانند هزینه‌های تجهیزات، نگهداری و تعمیرات، نیروی انسانی متخصص. هزینه‌های غیرمستقیم شامل هزینه‌های اداری، بازاریابی. جزء دوم، «سودآوری» ارائه‌دهنده خدمات است. شرکت‌ها نیاز به تحقق سودآوری دارند تا بتوانند به فعالیت خود ادامه دهند و به‌طور مداوم خدمات بهتری به مشترکین ارائه دهند. این سود شامل بخشی از هزینه‌ای است که مشترکین به عنوان آبونمان پرداخت می‌کنند و به شرکت‌ها امکان می‌دهد تا سرمایه‌گذاری‌های جدیدی نسبت به خدمات خود داشته‌باشند. جزء سوم به «هزینه‌های زیرساختی و توسعه» باز می‌گردد. زیرساخت‌های مناسب و به‌روز در بخش انرژی، بخش حیاتی هر تولیدکننده‌ای است که خدمات آبونمان را ارائه می‌دهد. این زیرساخت‌ها شامل فناوری‌های پیشرفته، شبکه‌های ارتباطی و ارسال، سخت‌افزار و نرم‌افزارهای موردنیاز است. چهارمین جزء، «هزینه‌های خدمات پس از فروش و پشتیبانی مشتریان» است. این هزینه‌ها شامل خدماتی مانند پاسخ‌گویی به سؤالات و مشکلات مشتریان، ارائه راهنمایی، خدمات تعمیر و نگهداری و هرگونه پشتیبانی فنی می‌باشد. ارائه‌دهندگان خدمات انرژی با کیفیت بالا نیاز دارند تا سیستم پشتیبانی مؤثری داشته‌باشند تا رضایت مشتریان را جلب کنند و مشتریان را درازمدت حفظ نمایند(جانث اوسالیوان؛ ۲۰۰۹، ۵۱۰). در نهایت، جزء پنجم شامل «مالیات‌ها و هزینه‌های قانونی» است. در بسیاری از کشورها، خدمات آبونمان تحت قوانین مالیاتی مشخصی قرار دارند. مالیات می‌تواند بخش مهمی از هزینه کل آبونمان را تشکیل دهد و شرکت‌ها این هزینه را به مشترکین منتقل می‌کنند. ترکیب این اجزا به شکل‌دهنده مقدار نهایی آبونمان است. اصولاً، شفافیت در تعیین و اعلام اجزای مختلف آبونمان به مشتریان، نقش مهمی در رضایت‌مندی و حفظ مشترکین دارد. این امر می‌تواند به جلب اعتماد مشتریان و افزایش تعداد مشترکین منجر شود که در نهایت به سودآوری بیشتر شرکت خواهد انجامید (دیویز؛ ۲۰۱۶، ۵۶).

برخلاف نظر فوق، این مبانی بیشتر یک‌طرفه، به نفع ارائه‌کننده و در عین حال غیرموجه است. زیرا منافع مصرف‌کننده لحاظ نشده‌است. همچنین زمانی هزینه خدمات‌رسانی با پرداخت آبونمان

^۱ Janet O'Sullivan

^۲ Davies. p

قابل جمع است که متصدی خدمت تحت عنوان اداره، خدمات را مجانی ارائه می‌کرد (مانند اداره برق سابق). در این فرض وظیفه پرداخت آبونمان موجه بود که مصرف‌کننده از دسترسی به آن محروم نشود. ولی در حال حاضر که شرکت‌ها وظیفه تولید و توزیع برق و سایر انرژی‌ها را دارند، قابل توجیه نیست. چون متصدی یا فروشنده متعهد تحمل هزینه تا نقطه تحویل است.^۱ مضافاً اینکه توسعه سرمایه‌گذاری از وظایف مصرف‌کننده نیست تا بتوان با وظیفه پرداخت آبونمان او را به این مهم وادار نمود. بلکه متصدیان باید با مدیریت کارآمد از محل فروش خدمات، سرمایه مورد نیاز خود را نیز تأمین کنند. همچنین در مورد سود نیز با توجه به اینکه متصدیان خدمات انرژی در قالب شرکت تجاری فعالیت می‌کنند، سود آنان از محل فروش انرژی قابل تحقق است و نیازی به اخذ آبونمان نیست. در نهایت باید بیان داشت که در حقوق ایران، وظیفه پرداخت آبونمان ارتباطی با مالیات و عوارض ندارد. چون از مصرف‌کننده مالیات بر مصرف تحت عنوان ارزش افزوده و عوارض دولتی جداگانه تحت دو عنوان دریافت می‌شود. بنابراین، این مبنا قابل‌پذیرش نیست.

۵- وضعیت حقوقی آبونمان

در تحلیل رویکرد حقوق به آبونمان انرژی ابتدا لازم است این موضوع بررسی شود که در نظام‌های حقوقی معاصر آبونمان تابع چه قواعدی است و طرفین رابطه چه تعهداتی در قبال همدیگر دارند. ظاهر این است که در حقوق کشورها، قواعد حاکم بر آبونمان، تابع قواعد حقوق قراردادها است، ولی در مواردی که وظیفه پرداخت آبونمان برعهده مصرف‌کننده باشد، قواعد حقوق مصرف‌حاکم بر حقوق قراردادها می‌شود. مثلاً در حقوق انگلستان، آبونمان‌دار مورد خدماتی که دولت به صورت عمومی در قالب اشتراکاتی چون برق و تلفن به شهروندان ارائه می‌نماید، قابل حمایت است و اصولاً به قراردادهایی که به نحوی مرتبط با بهره‌برداری از خدمات مستمر است، اطلاق می‌شود. قرارداد آبونمان موجب می‌گردد که مشتری، به صورت ثابت یا ماهانه، موظف به پرداخت مبلغی باشد. در حقوق انگلیس، قراردادهای آبونمان به‌طور کلی تحت قوانین و «اصول عام قراردادها» قرار دارند. این بدان معنی است که عناصر اساسی یک قرارداد مثل ایجاب، قبول، قصد و رضایت^۳

^۱ مستفاد از ماده ۳۸۱ ق.م.

^۲ Subscription

^۳ Consent

باید وجود داشته باشد تا یک تعهد آبونمان، معتبر محسوب شود. از منظر حقوقی، یکی از مسائل کلیدی در قراردادهای آبونمان، موضوع اعتبار و الزام آور بودن آن‌ها است. طرفین باید به‌طور واضح شرایط و محدوده تعهدات خود را مشخص کنند تا تعهدات مبهم نشود. یکی از چالش‌های عمده در قراردادهای آبونمان، مفهوم تعهدات متقابل و سرویس‌های مستمر است. از یک‌سو، تأمین‌کنندگان خدمات باید اطمینان حاصل کنند که می‌توانند به‌طور منظم خدمات خود را ارائه دهند و از سوی دیگر، مشترکین باید مطمئن شوند که پرداخت‌های منظم آن‌ها برابر با ارزش دریافتی است. از منظر حقوقی، این مسئله غالباً به تعهدات قراردادی و اصول «منطقی بودن» یا «متناسب بودن»^۱ مربوط می‌شود (ولادیمیر^۲، ۲۰۲۳، ۳۹).

بعضی معتقدند در مورد آبونمان این موضوع مطرح است که مالکیت اتصال به شبکه‌های خدماتی از جمله شبکه برق و انتفاع از آن را با توجه به شروطی که در قراردادهای اشتراک قید شده، می‌توان نوع خفیفی از مالکیت تجهیزات دانست که مرتبه‌ای از تسلط و بهره‌برداری از تجهیزات را به مشترک منتقل می‌کند. با این دیدگاه می‌توان عناوینی چون حق اتصال، حق اشتراک، حق انشعاب و یا حق آبونمان را توجیه نمود (برولیر^۳، ۲۰۱۳، ۹۶). اما به نظر می‌رسد این دیدگاه با واقعیت منطبق نیست. زیرا هرچند در گذشته (قبل از سال ۱۳۸۴) خدمات عمومی مانند آب و برق، از مشترکات عمومی محسوب می‌شد که در مقابل امول مشاعی که متعلق به اشخاص معلوم و معینی بود، این موال متعلق به تمام اشخاص یک جامعه به‌طور عمومی و مطلق بود و هزینه نگهداری و تعمیر تجهیزات آن را نیز مشترکین متحمل می‌شدند.^۵ اما امروزه اداره برق به شرکت برق تغییر ماهیت داده‌است. در عصر حاضر متصدیان ارائه تمام این خدمات، شرکت‌هایی هستند که با هدف تأمین سود خود فعالیت می‌کنند. البته ناگفته نماند که هزینه نگهداری منابع تأمین خدمات عمومی، مردمی بوده ولی بهره‌مندی از خدمات آن مجانی بود. اما اکنون بهره‌مندی از

^۱ Reasonableness

^۲ Proportionality

^۳ Vladimir

^۴ Boullier

^۵ مستفاد از ماده ۲۵ ق.م.م: «هیچکس نمی‌تواند اموالی را که مورد استفاده عموم است و مالک خاصی ندارد از قبیل پل‌ها و کاروانسراها و آب انبارهای

عمومی و مدارس قدیمه و میدان‌گاه‌های عمومی را تملک کند و همچنین است قنوات و چاهانی که مورد استفاده عموم است».

خدمات معوض شده که با بیع معاطاتی شباهت دارد. لذا نمی توان به استناد پرداخت مبلغ آبونمان، مالکیت مشترکین به منابع تأمین و تولید و تجهیزات برقی رسانی را اثبات کرد. در موارد نقض تعهدات قراردادی، در حقوق انگلیس روش های متعددی از جمله خسارات،^۱ فسخ و الزام به اجرای قراردادی برای حفاظت از منافع طرف پیش بینی شده است. با این حال قراردادهای آبونمان می توانند پیچیدگی های ویژه ای داشته باشند. زیرا باید به طور منظم و به صورت مستمر اجرا شوند. موضوعات جدیدی که با پیشرفت فناوری خدمات بروز کرده اند، نیز به پیچیدگی های بیشتر در این قراردادها انجامیده اند. مثلاً در زمینه خدمات دیجیتال و آبونمان انرژی، مسائل حقوقی پیرامون مالکیت داده ها و حریم خصوصی به صورت عمده مطرح می شود. مضافاً، مسائلی مثل نقض حقوق مالکیت فکری و استفاده غیرمجاز از محصولات تحت آبونمان از چالش های نوین حقوقی هستند. در کل، مسئله آبونمان انرژی در حقوق انگلیس تنها به معنای پرداخت منظم وجوه نیست، بلکه به معنای تعهدات بلندمدت و پیچیده ای است که هر دو طرف قرارداد باید به آن پایبند باشند. در نتیجه، آبونمان انرژی در حقوق انگلیس نمادی از تعهدات مستمر و پیوسته است که با پیشرفت فناوری و تغییرات در روابط اقتصادی و تجاری مدرن، پیچیدگی و اهمیت بیشتری پیدا کرده اند (ولادیمیر،^۴ ۲۰۲۳، ۴۳).

در انگلستان، آبونمان انرژی معمولاً به عنوان نوعی قرارداد الحاقی توصیف می شود. این نوع قراردادها به معنای پیوستن به مجموعه ای از شرایط از پیش تعیین شده است که توسط ارائه دهنده خدمات، تعیین می شود. خدمات گیرنده با پذیرفتن این شرایط، متعهد به پرداخت دوره ای مبالغ مشخصی می شود. برای مثال، نتیجه تحقیقاتی که در سال ۲۰۲۰ توسط گاردین منتشر شد، نشان داد که بسیاری از مصرف کنندگان بدون دقت کامل به شرایط که به آن ها عرضه می شود، اقدام به قبول قراردادهای آبونمان می کنند. در این تحقیقات ثابت شده که این نوع قراردادها معمولاً به نفع شرکت های ارائه کننده خدمات بوده و می تواند باعث نارضایتی مصرف کنندگان شود. در واقع؛ در حقوق انگلیس، مفهوم آبونمان انرژی با انعطاف پذیری بیشتری روبه رو است. این

^۱ Damages

^۲ Rescission

^۳ Specific Performance

^۴ Vladimir

^۵ The Guardian

انعطاف‌پذیری ناشی از تأکید بر اصول آزادی قراردادی بین ارائه‌دهنده و گیرنده خدمات است که وسعت بیشتری در خدمات عمومی دارد که می‌تواند ناشی از اصول بازار آزاد انگلیس باشد (برولیر، ۲۰۱۳، ۹۷).

در فرانسه آبونمان، یک منفعت خاص که دارای تمام ویژگی‌های موضوع قرارداد است، توصیف شده است. لذا آبونمان مستقلاً قابلیت نقل و انتقال دارد. مثلاً آبونمان تلفن و سایر آبونمان‌های انرژی، قابل واگذاری است چون یک منفعت جدا از اصل مال است. اگرچه خود تجهیزات انرژی، در مالکیت دولت است و قابلیت انتقال به مشترک را ندارد، ولی مشترک به واسطه انعقاد قرارداد بهره‌برداری از منافع و خدمات انرژی، می‌تواند از این تجهیزات استفاده کند. این منفعت، یک منفعت مالی مستقل محسوب می‌شود که می‌تواند موضوع همه قراردادهای انتفاع از مالکیت قرار گیرد. بنابراین، مشترک، به منفعت حاصله از تجهیزات مخابراتی دسترسی پیدا می‌کند و در ازای آن هزینه‌ای می‌دهد که هزینه‌های مندرج در قرارداد بهره‌برداری از خدمات از جمله انتقال خدمات به محل مصرف می‌باشد (قنبرزاده، ۱۴۰۰، ۵۵). از دیدگاه بعضی آبونمان نهادی «کارآمد و سازمان‌یافته» است که به مردم امکان می‌دهد تا به‌طور منظم به خدمات دسترسی پیدا کنند. یکی از مهم‌ترین مصادیق آبونمان در فرانسه، دسترسی به «خدمات انتقال انرژی» است (مونژان، ۲۰۲۱، ۲۷). این آبونمان‌ها به مشترکین امکان می‌دهند تا بدون نیاز به خرید مستقیم انرژی و با هزینه کمتر، به‌صورت نامحدود از خدماتی مانند برق استفاده کنند. (فلین، ۲۰۱۳، ۳۲).

در فرانسه، آبونمان‌ها بیشتر به‌عنوان قرارداد کادر شناخته می‌شوند. قرارداد کادر به قراردادهایی گفته می‌شود که طرفین آن بر لزوم داشتن رابطه حقوقی بلند مدت و آتی با تعهد بر انعقاد قرارداد عملیاتی و اجرایی، توافق می‌کنند. وضعیت این قرارداد در دکتترین فرانسه اختلافی است. برخی معتقدند اگر قرارداد کادر متضمن تعهد برای انعقاد قراردادهای اجرائی باشد، فرض بر این است که طرفین رضایت خود را در رابطه با قراردادهای اجرا اعلام کرده و در نتیجه چارچوب قرارداد صحیح را تشکیل می‌دهد. در این فرض تعهد متقابل است. این بدان معناست که قرارداد کادر تنها وقتی معتبر است که حاوی مقرراتی باشد که قیمت قراردادهای اجرائی را تعیین یا

^۱ Boullier

^۲ Monjean

^۳ Phéline

^۴ Contrat-Cadre

قابل تعیین کند. بنابراین، اگر قرارداد کادر، فاقد عناصر امکان تعیین یا تعیین قیمت در قراردادهای اجرائی باشد، باطل است. همچنین اگر در حین اجرا، معیارهایی که اجازه تعیین قیمت را داده‌اند از بین برود، قرارداد باطل می‌شود. اما برخی دیگر، پذیرش قرارداد کادری را پیشنهاد می‌کنند که در محتوای آن حداقل به‌طور ضمنی برای انعقاد قراردادهای اجرائی بر تعهد خاصی دلالت می‌کند. این حداقل الزام ضمنی برای انعقاد قراردادهای اجرائی از بندهای خاصی ناشی می‌شود. بندهای انحصاری و مهم‌تر از همه بندهای مشترک، به‌جای یک شرط قانونی برای انعقاد قراردادهای اجرائی، به‌عنوان یک ضرورت، جایگزین شرط قانونی می‌شود. در این شرایط، از نظر نظام حقوقی، ارائه نکردن موضوع قرارداد کادر دشوار به نظر می‌رسد. با این حال اگر قرارداد کادر الزام قانونی برای انعقاد قراردادهای اجرائی ایجاد نکند، نباید برای آن اعتبار قائل بود یا برای آن قیمت تعیین کرد (دالوز،^۱ ۱۹۸۲، ۲۳۷).

در اصلاحات قانون مدنی ۲۰۱۶ فرانسه به این اختلاف پایان داده‌شده و در ماده ۱۱۱۱ ق.م. ضمن شناسایی اعتبار قرارداد کادر، مقرر شده‌است: «قرارداد کادر یا چارچوب توافقی است که به موجب آن طرفین در مورد خصوصیات کلی روابط قراردادی آتی خود توافق می‌کنند. قراردادهای اجرائی نحوه و مدل اجرا را مشخص می‌کنند».^۲

این نوع قراردادهای شامل مجموعه‌ای از تعهدات متقابل بین ارائه‌دهنده خدمات و مصرف‌کننده است که در چارچوب قانونی و نظارتی اجرائی شده‌اند. قوانین حمایت از مصرف‌کننده در فرانسه معمولاً سخت‌گیرانه‌تر هستند و به مصرف‌کنندگان حق تغییر یا فسخ قرارداد را با شرایط مشخص می‌دهد. قوانین حمایت از مصرف‌کننده این کشور مانع از سوءاستفاده از مشتریان می‌شود. به‌طور کلی، می‌توان گفت که برخلاف انگلستان که قراردادهای آبونمان عمده‌تأ الحاقی هستند، در فرانسه این قراردادهای بیشتر به عنوان قرارداد کادر شناخته می‌شوند و تحت نظارت سخت‌گیرانه‌تری به نفع مشترک قرار دارند (لورنت، ۲۰۲۳، ۱۸۳). در فرانسه، قوانین مصرف‌کننده در پرتو مقررات حمایت از مصرف‌کننده تنظیم شده‌اند. قانون‌گذاران فرانسه توجه ویژه‌ای به شفافیت، اطلاع‌رسانی و حقوق مصرف‌کننده داشته‌اند. مثلاً قانون حمایت از مصرف‌کننده^۴ شامل مقرراتی است که

^۱Dallvez

1- Art. 1111 Le contrat cadre est un accord par lequel les parties conviennent des caractéristiques générales de leurs relations contractuelles futures. Des contrats d'application en précisent les modalités d'exécution.

^۲Laurent

^۴Code de la consommation

ارائه‌دهندگان خدمات ملزم به رعایت آن‌ها هستند. مثلاً، ارائه‌دهندگان باید به مصرف‌کننده اطلاع‌رسانی کاملی در خصوص خدمات انرژی و نرخ آبونمان ارائه دهند و دیوان دادگستری اتحادیه اروپا (CJEU): در چندین حکم، بر لزوم شفافیت قراردادهای آبونمان تأکید کرده است (دوبوس،^۱ ۲۰۲۱).

در نتیجه در انگلستان و فرانسه در مورد آبونمان رویکرد متفاوتی جود دارد. انگلستان با قراردادهای الحاقی که عموماً به نفع شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات است، رویکردی نئولیبرال‌تر دارد. در مقابل، فرانسه با قراردادهای کادر و نظارت قوی‌تر بر بازار مصرف‌کنندگان رویکرد حمایتی‌تری اتخاذ کرده است. آگاهی از ماهیت قراردادهای آبونمان انرژی در هر دو کشور برای مصرف‌کنندگان اهمیت بالایی دارد تا بتوانند به‌درستی از حقوق و تعهدات خود آگاه شوند. مثلاً در فرانسه، دادگاه‌ها معمولاً به قانون مدنی فرانسه استناد می‌کنند. پرونده‌هایی که به تفسیر و اجرای قراردادهای آبونمان مربوط می‌شوند، معمولاً توسط دادگاه‌های تجاری بررسی می‌شود (دوپون،^۲ ۲۰۱۸، ۴۵). در انگلستان، نیز دادگاه‌های عالی و دادگاه‌های تجاری به پرونده‌های مرتبط با قراردادهای آبونمان رسیدگی می‌کنند (اسمیت،^۳ ۲۰۲۰، ۶۳). در نظام حقوقی هر دو کشور، قراردادهای دائمی که به مدت غیرمعیّن معتبر هستند، وجود دارد. تفاوت عمده بین این دو کشور این است که در فرانسه، چنین قراردادهایی معمولاً تحت قانون مدنی تفسیر می‌شوند. اما در انگلستان، قراردادهای دائمی بیشتر به واسطه اصول عمومی قراردادهای تنظیم می‌شوند. این اصول شامل اراده آزاد طرفین، توافق دوطرفه، آزادی مناسب از منظر عقلاء و عدم اجبار است. بر این اساس، قراردادهای دائمی در انگلستان اعتبار واقعی خود را به دست می‌آورند و مفاد و شرایط آن‌ها توسط محاکم معتبر شناخته می‌شود (گامر،^۴ ۲۰۱۸، ۲۱).

در فرانسه و انگلیس این موضوع حائز اهمیت است که مبلغ آبونمان باید منصفانه و همراه با شفافیت برای مصرف‌کننده باشد. در پرونده‌ای یک شرکت خدمات اینترنتی در فرانسه مجبور به پرداخت جریمه سنگینی به دلیل عدم ارائه اطلاعات کافی به مشتریان درباره نرخ‌های آبونمان شد. هم‌چنین در پرونده دیگری، یک شرکت ارائه‌دهنده خدمات تلویزیونی به دلیل افزایش

^۱ Dubois

^۲ Dupont

^۳ Gemar

ناگهانی آبونمان ماهیانه بدون اطلاع قبلی به مشتریان محکوم به استرداد وجه شد. دادگاه حکم داد که این افزایش ناگهانی و بدون اطلاع، نقض قرارداد و حقوق مشتریان بوده و شرکت موظف به بازگرداندن مبالغ دریافت شده به مشتریان شد (لوکلرک؛ ۲۰۲۲، ۹۶). در انگلیس نیز یک ارائه دهنده خدمات تلفن همراه به دلیل افزایش نرخ آبونمان بدون اطلاع رسانی مناسب به مصرف کنندگان محکوم به پرداخت غرامت شد. همچنین در سال ۲۰۲۳، دادگاه لندن در پرونده ای حکم داد که اخذ آبونمان توسط یک شرکت عضویت کتاب خوانی فقط در صورتی که مشتری بتواند از خدمات مناسبی بهره مند شود و قرارداد به صورت شفاف و عادلانه تنظیم شده باشد، قانونی و مشروع است (جانسون، ۲۰۲۳، ۷۳).

رویکرد حقوق ایران به آبونمان، رویکردی ترکیبی است. یعنی چون اقتصاد دولتی است هر دو روش انگلیسی و فرانسوی اعمال و از مصرف کننده هر دو نوع آبونمان دفعی و مستمر دریافت می شود. مثلاً در ابتدای پیشنهاد خرید برق توسط مصرف کننده قراردادی تحت عنوان «قرارداد واگذاری انشعاب برق» منعقد می شود و مبلغی تحت عنوان «وجه اشتراک» از مصرف کننده دریافت می گردد که مبلغ آن با توجه به ظرفیت کنتور، محیط تحت پوشش و قیمت منطقه ای محیط تعیین می شود. این مبلغ مشابه آبونمان فرانسوی است که با انعقاد قرارداد کادر مصرف کننده باید هزینه را پرداخت کند. علاوه بر این، در طول مدت برقراری انشعاب برق مبلغی ماهانه تحت عنوان «آبونمان» نیز از مصرف کننده دریافت می گردد که نحوه محاسبه آن به دو روش است. نخست این که مشترک از انرژی استفاده کرده باشد، در این فرض مبلغ آبونمان شناور است و هرچه مصرف برق بیشتر باشد، علاوه بر پرداخت بهای برق، باید آبونمان بیشتری نیز پرداخت شود. دوم فرضی است که مصرف کننده از نیروی برق استفاده نکرده باشد. در این فرض مبلغی ثابت تحت عنوان آبونمان از مصرف کننده دریافت می گردد. رویه عملی شرکت برق در سال ۱۴۰۳ حدود ۱۶۰۰۰ تومان است که بیشتر با شرط تحویل یا پرداخت منطبق است. این روش منطبق با رویکرد حقوق نگلستان است با این تفاوت که در انگلستان به عنوان قرارداد الحاقی و در ایران، تحت عنوان شرط ضمن عقد پرداخت آن الزامی شده است. در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۵ کمیسیون تنظیم مقررات و ارتباطات اقدام به تصویب آبونمان برای تلفن های ثابت نمود و در تاریخ ۱۳۹۵/۴/۸ دیوان محاسبات کشور به استناد ماده ۳۷ قانون محاسبات عمومی مصوب سال

^۱ Le Clerc

۱۳۶۶، ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰ و بند (د) ماده (۱۰۱) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه مصوب سال ۱۳۸۹ خواهان ابطال آن شد و در نهایت رأی شماره ۱۳۱۸ هیات عمومی دیوان عدالت اداری به عدم مشروعیت این آبونمان و لزوم بازگرداندن آن به مصرف‌کننده منجر شد. هرچند این مصوبه باطل شد، ولی به دلیل عدم نظارت کافی و فقدان متصدیان پیگیری حمایت از حقوق مصرف‌کننده، شرکت مخابرات نه تنها مبلغ آبونمان اخذشده را بازنگرداند، بلکه به رویه خود ادامه داد. نکته علمی که از این رأی استفاده می‌شود این است که دیوان محاسبات اخذ آبونمان مستمر یا ماهانه را فقط در صلاحیت قانون دانسته است.^۱

بعضی در حقوق ایران در این باره معتقدند آبونمان از عقود تصویبی، مستمر و مدت‌دار است و یک طرف از پیش شروط قراردادی را تعیین کرده و طرف دیگر فقط توانایی رد یا پذیرش آن را دارد. به همین دلیل در این قرارداد، حق تغییر مقدار عوض فقط از سوی موجب ممکن است. در مورد لزوم یا جواز این عقد باید گفت که به فوت، جنون و سفه معمولاً منحل نمی‌شود. اما این امر همیشگی نیست. مثلاً اگر مشترک روزنامه بپذیرد، این قرارداد منفسخ است؛ اما اگر مشترک برق فوت کند، قرارداد آبونمان برای آن خانه همچنان معتبر است (جعفری لنگرودی، جلد ۱، ۱۳۹۶، ۱۳ و ۱۴). در رابطه با قابلیت انتقال نیز، عرف نیز این نهاد را به رسمیت می‌شناسد و نفس حق اشتراک را قابل خرید و فروش می‌داند و پس از مرگ مشترک نیز با طی مراحل قانونی، این حق، جزو مایملک وی محسوب شده و قابلیت انتقال خواهد داشت و از سوی دیگر، بر اساس مفاد قرارداد مشترک، قراردادی در مواردی فسخ و این حق توسط مشترک، اسقاط می‌گردد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۷، ۲۱). درباره قابلیت انتقال آبونمان انرژی که موضوع بحث است، باید دانست که با انعقاد قرارداد واگذاری انشعاب برق حق دسترسی به شبکه برق برای ملک محقق می‌شود و این حق شخصی نیست بلکه از توابع عین ملک است که به متصرف متعلق است، با فروش ملک، انشعاب برق به صورت ضمنی واگذار می‌شود و با اجاره آن، مستأجر مستحق استفاده از انشعاب می‌گردد.

^۱<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1068111>

چالش اصلی وضعیت آبونمان انطباق آن با قواعد حقوق قراردادهای است. زیرا حقوق قراردادهای ایران وابسته به موازین حقوق اسلامی است و در این نظام قراردادی اراده طرفین برای انعقاد عقد لازم است ولی کافی نیست. اعتبار قرارداد نیازمند به تنفیذ شرعی است، اما قرارداد آبونمان از دو جهت با مشکل مواجه است. نخست اینکه پرداخت حق اشتراک توسط مصرف کننده که نوعی آبونمان فرانسوی است، نوعی اکل مال بالباطل است. چون در گذشته که اداره برق بود، پرداخت قیمت برای اکتساب حق اشتراک یا دسترسی به شبکه برق وجهی داشت. اما اکنون که برق توسط شرکتها به فروش می رسد و تأمین کننده قیمت برق را از مصرف کننده دریافت می دارد، از وظایف بایع است که دسترسی مشتری را به شبکه فراهم کند و بیع چیزی که قابلیت دسترسی برای مشتری ندارد در ماده ۳۴۸ ق.م. باطل دانسته شده است (باریکلو، ۱۳۹۹، ۲۵۷). مضافاً، هزینه تسلیم و در دسترس قراردادن جریان برق به عهده فروشنده است و برخی معتقدند فراهم آوردن مقدمات تسلیم از لوازم تعهد فروشنده بر تسلیم مبیع است و او باید هزینه حمل کالا به محل تسلیم را بپردازد (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ۱۷۹). بنابراین، با توجه به اینکه به صرف پرداخت حق اشتراک، منافعی به مصرف کننده تعلق نمی گیرد، این موارد از موارد اکل مال بالباطل است که حرمت و عدم مشروعیت آن محرز است. وجود منفعت مباح و مشروع در مبیع و ثمن شرط صحت عقد است تا اینکه معامله مشمول عموم ممنوعیت اکل مال بالباطل نشود (مرتضی انصاری، ۱۴۱۵، ۳۱). بعضی دیگر ممنوعیت ظلم و اجحاف به طرف قرارداد را دلیل بر لزوم تساوی و برابری عوضین کیل به کیل و وزن به وزن دانسته و هر گونه زیادی را ظلم و اجحاف شمرده که شارع و عرف عقلاء پذیرای آن نیست (جواهری، ۱۴۰۵، ۳۷). چون اگر مالی از کسی بدون عوض گرفته شود، شرط انتقال آن به استناد عموم حرمت مال مسلم، طیب نفس و کمال رضایت خاطر است (حسنی، ۱۴۱۱، ۲۲۹) که در آبونمان چنین وضعیتی محقق نیست. در نتیجه نمی توان آبونمان دفعی و ابتدایی را مشروع شمرد. اینکه گفته شود آبونمان در قبال استمرار خدمات رسانی است، چندان موجه نیست. زیرا تداوم برق رسانی عنوان مستقلی نیست که بتواند جداگانه در کنار خود جریان الکتریسته، عرفاً موضوع قرارداد باشد و هر چیزی که عرفاً به طور مستقل قابل معامله نباشد، اخذ عوض در قبال آن اکل مال به باطل است (حائری یزدی، ۱۴۲۳ ه ق، ۴۳۰). بنابراین چون رابطه تأمین کننده و

۱ مستفاد از ماده ۳۸۱ ق.م.

مصرف‌کننده رابطه با بایع و مشتری است، نمی‌توان صرف دوام خدمت‌رسانی را موضوع مستقل قابل معامله و دادن عوض دانست.

در مورد آبونمان مستمر برق هرچند عملاً از زمان شروع سیاست‌های تعدیل از مصرف‌کننده دریافت می‌شد، اما مستند حقوقی آن مصوبه مورخ ۱۳۹۷/۲/۵ هیئت وزیران^۱ است که به استناد بند ج ماده ۱ قانون هدفمندسازی یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸ و پیشنهاد وزارت نیرو مبلغ آبونمان ماهانه مشترکین با قدرت ۳۰ کیلو وات و بیشتر ۹۹۰۰ تومان و مشترکین با قدرت ۳۰ کیلووات کمتر ۱۱۰۰ تومان تعیین شد. در این بند مقرر شده: «میانگین قیمت فروش داخلی برق به گونه‌ای تعیین شود که به تدریج تا پایان برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران معادل قیمت تمام‌شده آن باشد.

در مصوبه مذکور بیان شده است که قیمت تمام‌شده برق، مجموع هزینه‌های تبدیل انرژی، انتقال و توزیع و هزینه‌های سوخت با بازده حداقل سی و هشت نیروگاه‌های کشور و رعایت استانداردها محاسبه می‌شود و هر ساله حداقل یک درصد به بازده نیروگاه‌های کشور افزوده‌شود به‌طوری‌که تا پنج سال از زمان اجرای این قانون به بازده چهل و پنج درصد برسد و همچنین تلفات شبکه‌های انتقال و توزیع تا پایان برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه به چهارده درصد کاهش یابد.

هر چند در بند فوق از وضعیت آبونمان منصرف است، ولی با توجه به رابطه طرفین که رابطه فروشندگی و خریداری است و نیز موضع آنان که یکی قوی و دیگری ضعیف است، به اقتضای روح قوانین حمایت از مصرف‌کننده، دولت باید به نفع طرف ضعیف در رابطه دخالت و از او حمایت کند. اما چون اقتصاد دولتی است، تصمیم‌گیران چندان تمایلی به رعایت منافع طرف مقابل ندارند. در بند ج مصوبه فوق اشاره‌ای به آبونمان نشده و یکی از راه‌های منصفانه شدن قیمت برق، کاهش هزینه‌های زاید است که به جای الزام وزارت نیرو به کاهش هزینه‌های اضافی و متناسب ساختن قیمت تمام‌شده برق، از این بند لزوم پرداخت آبونمان از مصرف‌کننده مستفاد گردید. لذا آبونمان مستمر هم که تحت عنوان شرط قانونی در قرارداد معامله برق قابل توصیف است، چندان انطباقی با روح قوانین ندارد و **انطباق آن با قواعد حقوقی به دلیل ناعادلانه بودن مشکل است.**

^۱<https://dotic.ir/news/1040/%D8%A7%D8%A8%D9%84%D8%A7%D8%BA->

نتیجه‌گیری

آبونمان موضوعی وارداتی است که خاستگاه آن حقوق سرمایه‌داری است. لذا بایست از منظر آن توصیف و وضعیت حقوقی آن بررسی شود. در حقوق فرانسه و انگلستان که هر دو نظام متأثر از سیستم سرمایه‌داری ولی یکی نماینده حقوق نوشته و سویل‌لو و دیگری نماینده حقوق عرفی و کامن‌لو است، تفاوت عمده در توصیف و وضعیت آبونمان وجود دارد. به عنوان مثال در حقوق فرانسه، آبونمان به پرداختی اطلاق می‌شود که پرداخت‌کننده به منابع یا منافع مقصود، حق دسترسی پیدا می‌کند ولی وضعیت آن در بین حقوق دانان اختلافی بود بعضی آن را باطل و بعضی صحیح می‌دانستند تا اینکه در اصلاحات قانون مدنی ۲۰۱۶ در قالب قرارداد کادر شناسایی و معتبر اعلام شد. اما در حقوق انگلستان، وضعیت آن بیشتر تابع توصیف موضوع است: به این بیان که اگر مبلغ پرداخت آبونمان در قبال هزینه‌ای باشد که دریافت‌کننده متحمل شده، معتبر است ولی اگر به عنوان جریمه پرداخت‌کننده از عدم تحویل انرژی باشد، باطل و بی اثر است. لذا بیشتر به تشخیص قضایی محاکم در رعایت شروط عمومی قراردادها، مانند اراده مشترک، توافق دوطرفه، آزادی مناسب از منظر عقلاء و عدم تأثیرپذیری، واگذار شده است. با این حال در فرانسه، آبونمان ابتدایی انرژی و در انگلستان بیشتر نوع مستمر آن رایج است.

در حقوق ایران، ترکیبی از رویکرد فرانسوی و انگلیسی است چون مصرف‌کننده در زمان انعقاد قرارداد مبلغ زیادی تحت عنوان عوض حق انشعاب پرداخت می‌کند که مطابق با رویکرد فرانسوی است. در خلال روابط مبلغی تحت عنوان آبونمان باید پرداخت کند که اگر معضل ناترازی موجود نبود، مطابق با رویکرد انگلیسی است به شرط آن هدف دریافت‌کننده جریمه مشتری نباشد. هرچند به دلیل اقتصاد دولتی و عدم توجه به حقوق مصرف‌کننده، روش ترکیبی اعمال می‌شود، ولی چون قابلیت معاملی هر موضوعی تابع منفعتی است که برای پرداخت‌کننده محقق و حاصل می‌شود، رویکرد حقوق انگلستان با موازین حقوق اسلامی بیشتر منطبق است به شرط آن که عرضه‌کننده با مشکل ناترازی انرژی مواجه نباشد. بنابراین در رویکرد ترکیبی با وجود معضل ناترازی انرژی، از طرفی، پرداخت آبونمان موجب تحقق هیچ منفعت و تعهد یا مسئولیتی به نفع مصرف‌کننده نمی‌شود. از طرف دیگر، مصرف‌کننده نیز به اختیار و آزادی به پرداخت آن ملتزم نیست. لذا قاعده عام حرمت اکل مال به باطل مانع اصلی اعتبار و صحت آبونمان در وضعیت ترکیبی با معضل ناترازی انرژی در حقوق ایران است.

منابع

- باریکلو، علیرضا (۱۳۹۹)، حقوق قراردادهای عقود معین، جلد ۱، تهران: انتشارات میزان، چاپ دوم.
- خورسندیان، محمدعلی و و قادر شنبور، ماهیت عقد مرکب در فقه و حقوق موضوعه، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال سوم، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۹۰.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۷). عقود معین (جلد اول). تهران: انتشارات گنج دانش.
- جعفری، لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۵). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ هفتم، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- جعفری، لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۶). الفارق، جلد یکم، چاپ ششم، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- جواهری، محمد تقی، الربا فقهیاً و اقتصادياً، مؤلف محترم، قم، اول، ۱۴۰۵ ه.ق.
- حائری یزدی، سید کاظم، فقه العقود، ج ۱، مجمع اندیشه اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۲۳ ه.ق.
- حسینی، هاشم معروف، نظریه العقد فی الفقه الجعفری، منشورات مکتبه هاشم، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۱ ه.ق.
- خبرگزاری تابناک، (۳۱ مرداد ۱۳۹۶). اخذ آبنومان از مشترکان گاز خلاف قانون است، آدرس: <https://www.tabnak.ir/0032Lf>، تاریخ دسترسی ۲۸ مرداد ۱۴۰۳.
- رای ۱۳۱۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، شماره دادنامه ۱۳۱۸ مورخ ۳ بهمن ۱۳۹۶ با موضوع ابطال مصوبه شماره ۳ جلسه شماره ۱۸۴ مورخ ۲۵ اسفند ۱۳۹۲ کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات.
- زالی، رضا و اسدی نیا، زهرا. (۱۳۹۸). ماهیت و آثار عقد مرکب از منظر استاد جعفری لنگرودی. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، دوره ۲، شماره ۳، صص ۱۱۷-۱۳۴.
- شافعی، امیرحامد. (۱۳۹۸). قراردادهای بهره‌برداری از خدمات در حقوق ایران و فرانسه، (پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی). دانشگاه شهید بهشتی.
- شیخ مرتضی انصاری، کتاب المکاسب، ج ۱، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم، اول، ۱۴۱۵ ه.ق.
- صلواتیان، سیاوش. محسنی، مهدی. (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی شیوه‌های تامین مالی سازمان‌های رسانه‌ای رادیویی و تلویزیونی عمومی و تحت مالکیت دولتی در دنیا. فصلنامه رسانه، سال بیست و سوم، شماره ۴.
- قانون مدنی ایران، جلد نخست مصوب ۸ اردیبهشت ۱۳۰۷، جلد دوم مصوب ۲۸ بهمن و ۲۱ اسفند و ۱۷ و ۱۹ و ۲۰ فروردین ۱۳۱۳ و جلد سوم مصوب ۱۳ مهر و ۸ آبان ۱۳۱۴.
- قنبرزاده، محمد و همکاران. (۱۴۰۰). بررسی فقهی ماهیت قرارداد اشتراک تلفن ثابت پس پرداخت. مجله آموزه های فقه مدنی، شماره ۲۴، پاییز و زمستان.
- قنبرزاده، محمد. ایزدی فرد، علی اکبر. وسعید، ابراهیمی. (۱۴۰۰). بررسی فقهی ماهیت قرارداد اشتراک تلفن ثابت پس پرداخت. آموزه‌های فقه مدنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره سیزدهم، شماره ۲۴، پاییز- زمستان.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۶ بهمن ۱۳۸۹). آدرس: https://rc.majlis.ir/fa/law/print_version/790018، تاریخ دسترسی: ۲۷ تیر ۱۴۰۳.
- کاتوزیان، امیرناصر (۱۳۹۵). عقود معین، جلد اول. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ پانزدهم.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۴۲۶). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، قم، موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
- Andrews, N. (2017). Interpretation of contracts and "commercial common sense": do not overlay this useful criterion. Cambridge Law Journal, 76(1), 36-62.
- Boullier, D. Crépel, M (2013). MOTif, Pratiques de lecture et d'achat de livres numériques.

- Dalloz, SCHMIDT, Négociation et conclusion de contrats, Paris, 1982.
- Davies, P. (2016). Rectification versus interpretation: the nature and scope of the equitable jurisdiction. *Cambridge Law Journal*, 62-85.
- Dubois, M. Lemoine, P. (2021). Protection des Droits de l'Homme en France. *Revue Juridique*, 25(1), 33-46.
- Dupont, P. (2020). Les abonnements aux transports en commun en France. **Revue des Transports Urbains*, 35*(2), 123-145. DOI
- Farchy, J. Jutant, C. (2015). Qui a peur du marché de l'occasion numérique ? La seconde vie des biens culturels. Paris, Presses des Mines.
- Gemar, J. C. (2018). L'analyse comparée en traduction juridique, ses enjeux, sa nécessité. *International Journal for the Semiotics of Law-Revue internationale de Sémiotique juridique*, 3, 957-970.
- Hadopi/Groupe pour le développement de la lecture numérique(GLN), Etude des perceptions et usages du livre numérique, réalisée par l'institut Ipsos, octobre 2014.
- Jaiswal, S. Singh, A. (2022). OTT Services and Intention to Continuous Subscription: A Moderated-Moderated Mediation Analysis. *PURUSHARTHA-A Journal of Management, Ethics and Spirituality*, 15(2), 104-125.
- Jeong, M. Yang, K. Kim, H. M. Min, J. (2024). Curation subscription box services: Implications for the pet industry. *Journal of Retailing and Consumer Services*, 76, 1-12.
- Jitsoonthornchaikul, M. (2022). An Empirical Study on the Service Marketing Factors Influencing the Need of Consumer for an Online Food Ordering Delivery Using Subscription-Based Model. *ABAC Journal*, 42(3), 17-37.
- Johnson, A. (2023). *Common Law Principles in Contemporary Legal Practice*. London Legal Publishing.
- Laurent, A. (2023). The impact of financial reforms on the economy of France. *Economic Journal*, 7(4), 182-195.
- Lee, H. Sakamoto, Y. Yoshizawa, Y. (2021). Sustainability of fashion subscription services in Japan. *The International Journal of Sustainability in Economic, Social and Cultural Context*, 17(1), 53-73.
- Monjean-Decaudin, S. (2021). Peut-on traduire le droit? Approche juritraductologie. In Baumert *Langues et langages juridiques. Traduction et traductologie, didactique et pédagogie*, 25-46.
- O'Sullivan, J. (2009). Say what you mean and mean what you say: contractual interpretation in the House of Lords. *Cambridge Law Journal*, 68(3), 510-512.
- Perona, M. Pouyet, J. (2010). *Le prix unique du livre à l'heure du numérique*. Paris, Ed Rue d'Ulm.
- Phéline, C. (2013). *Musique en ligne et partage de la valeur. État des lieux, voies de négociation et rôles de la loi. Rapport à la ministre de la Culture et de la Communication*.
- Syndicat national de l'édition. (2014). *L'édition en perspective*, rapport d'activité du SNE.
- Dullion, V. (2014). Droit comparé pour traducteurs: de la théorie à la didactique de la traduction juridique. *International Journal for the Semiotics of Law-Revue internationale de Sémiotique juridique*, 28, 91-105.
- Gemar, J. C. (2019). L'analyse jurilinguistique en traduction, exercice de droit comparé. Traduire la lettre ou "l'esprit des lois"? Le cas du Code Napoléon. *Comparative Legilinguistics*, 37, 1-12.
- Vladimir Bastidas Venegas, Intellectual property rights, enforcement costs and EU competition law, *Journal of Antitrust Enforcement*, Volume 11, Issue Supplement_1, June 2023, Pages i37–i56, <https://doi.org/10.1093/jaenfo/jnac027>.
- München, Hauptzollamt, Reports of Cases, Request for a preliminary ruling from the Finanzgericht München, Case C-297/13, Data I/O GmbH.